یادداشت

دغدغه هویج!

محمدرضا رسولی

● در روزهای اخیر قیمت هویج از موز نیز سبقت گرفته و کالایی که پیش از این نهایت کیلویی سه هزار تومان به فروش می‌رسید، بیش از ۳۰ هزار تومان نیز به فروش رسیده است. متأسفانه نظارتی در این حوزه وجود ندارد و کنترل قیمت هویج از توانایی مسئولان مربوطه خارج شده و در این مدت آنها با اظهارنظرهای متناقض، قصد فراکنی داشته و تنها وعده کاهش قیمت را داده‌اند. یک روز پزشکان به‌دلیل توصیه به بیماران کرونایی در اثربخشی آب هویج در درمان کرونا مقصر قلمداد می‌شوند، یک روز گفته می‌شود «تورم عوامل تولید» قیمت کالا را برای مردم گران کرده است! یکی ادعا می‌کند دلالان هویج را از کشاورزانی که بار عمده داشته‌اند، خریداری کرده‌اند تا با کمبود عرضه، قیمت را بالا نگه دارند و به همین دلیل عامل اصلی این بحران دلالان هستند و روز دیگر مدعی می‌شوند قاچاق و صادرات هویج به کشورهای عراق، ارمنستان و پاکستان منجر به گرانی در بازار داخل شده است. دیگری خشک‌سالی را علت کمبود و گرانی هویج می‌داند و ادعا می‌کند بذر هویج آب زیادی مصرف می‌کند و خشک‌سالی باعث شده بسیاری از کشاورزان از کشت هویج صرف‌نظر کنند! دیگری، در اظهارنظری جالب، افزایش تقاضا برای خرید هویج ازسوی آبمیوه‌فروشی‌ها را یکی از دلایل گرانی قیمت هویج در بازار می‌داند! و کسی دیگر ادعا می‌کند هویج قیمت مصوب ندارد و میدان مرکزی این محصول را گران می‌فروشد. در واقع با بحران بی‌مسئولیتی در این حوزه مواجه هستیم؛ هیچ‌کس مسئولیت را گردن نمی‌گیرد. وقتی کسی مسئولیت کارهای خودش را نمی‌پذیرد، در نتیجه اقدامی هم در جهت رفع یا بهبود مشکلات به‌وجودآمده انجام نخواهد داد. به‌طور قطع یک جای کار می‌لنگد. متأسفانه به‌محض اینکه محصولی کم می‌شود و متقاضی بیشتری دارد، عنان کار دست افرادی می‌افتد که می‌توانند نهایت سوءاستفاده را از وضعیت به‌وجودآمده ببرند. پرواضح است که مشکلات مردم باید به صورت واقعی و ریشه‌ای حل شود؛ به همین دلیل، ضروری و لازم است سازمان بازرسی کل کشور در این مسئله ورود و با اهمال‌کاران و خاطیان با موضعی قاطعانه برخورد کند تا بلکه از این طریق شاهد افزایش قیمت در کالاهای دیگر به این شکل نباشیم.

گذر

تخم‌مرغ گران نیست، قیمت‌ها واقعی شده است

● **ایلنا:** مدیرعامل اتحادیه مرغداران تخم‌گذار میهن با رد گرانی قیمت تخم‌مرغ در بازار معتقد است: قیمت تخم‌مرغ پس از حدود یک سال واقعی شده است. حمیدرضا کاشانی با بیان اینکه از آذر ماه سال گذشته تاکنون قیمت مصوب تخم‌مرغ تغییر نداشته است، اظهار کرد: در این مدت قیمت نهاده‌های دامی افزایش سه تا چهار برابری داشته است و تولید تخم‌مرغ برای مرغداران با زیان بوده است. او ادامه داد: از انتهای سال گذشته قرار بر این بود که قیمت مصوب تخم‌مرغ مطابق با افزایش هزینه‌های تمام‌شده اصلاح شود، اما هر بار یک بهانه مانند بازار نوروز، کرونا و انتخابات به تأخیر افتاد. کاشانی از قرارگرفتن افزایش قیمت مصوب تخم‌مرغ در دستور کار وزارت جهاد کشاورزی خبر داد و گفت: براساس‌این وزارت جهاد کشاورزی به برخی از استان‌ها ابلاغ کرده است که به مرغداران برای فروش تخم‌مرغ با قیمت اصلاح‌شده، فشار نیاورند. او تصریح کرد: علت این ابلاغ آن است که ادامه زیان مرغداران و فشار بر آنها برای فروش تخم‌مرغ با نرخ مصوب، منتج به حذف اجباری گله‌ها خواهد شد که نتایج خود را در بازار با کاهش تولید و عرضه و افزایش قیمت نشان خواهد داد. او یادآور شد: قیمت مصوب برای هر کیلوگرم تخم‌مرغ حدود ۱۴ هزار تومان است و قیمت اصلاح‌شده ۱۷هزارو ۵۰۰ تومان است. به گفته کاشانی درحال‌حاضر مرغداران هر کیلوگرم تخم‌مرغ درِ مرغداری را به‌طور متوسط ۱۷ هزار تومان به فروش می‌رسانند. او پیش‌بینی کرد: قیمت مصوب جدید با توجه به افزایش هرروزه هزینه تمام‌شده تولید بیش از قیمت اصلاح‌شده یعنی بیش از ۱۷هزارو ۵۰۰ تومان خواهد بود. کاشانی ازجمله مشکلات مرغداران را که موجب افزایش قیمت تولید تخم‌مرغ شده است، تأخیر در تحویل نهاده‌های دامی به آنها عنوان کرد. او گفت: تأمین ارز برای تأمین نهاده‌های دامی با کندی انجام می‌شود که منجر به تأخیر در تأمین و تحویل آنها به مرغداران می‌شود. کاشانی با تأکید بر اینکه از ابتدای سال بیش از ۲۰ نامه به مسئولان درباره مشکلات مرغداران در حوزه نهاده‌های دامی ارسال کرده‌ایم، افزود: علاوه‌بر کندی در تأمین ارز، حمل‌ونقل نهاده‌ها نیز با بی‌نظمی انجام می‌شود که خود بر بازار نهاده‌های دامی اثرگذار بوده است.

روابط اقتصادی ایران و افغانستان به چه سمتی می‌رود؟

تأثیر طالبان بر اقتصاد ایران

بعضی از کارشناسان معتقدند افغانستان و ایران چاره‌ای جز شراکت استراتژیک اقتصادی ندارند

عکس: تسنیم

شرق: سقوط دولت افغانستان و روی‌کارآمدن طالبان، شرایط این کشور را در همه زمینه‌ها در ابهام فروبرده است؛ چه در زمینه‌های حقوق‌بشری و مسائل مربوط به زنان، چه امور امنیتی و چه روابط اقتصادی این کشور با دیگر کشورها.

اطلاعاتی که از درون این کشور منتشر می‌شود، وضعیتی آخرالزمانی را تصویر می‌کند. گزارشی که روزنامه «گاردین» روز یکشنبه از وضعیت اقتصادی افغانستان منتشر کرد، تا حدی گویای احوال است. دستگاه‌های خودپرداز خالی هستند، بانک‌ها و صرافی‌ها هنوز تعطیل‌اند و ذخیره ۹ میلیارد دلاری بانک مرکزی در دسترس نیست و در کنترل ایالات متحده است. حقوق کارمندان دولت پیشین که اکنون بسیاری از آنها زندگی مخفیانه دارند، پرداخت نمی‌شود و تا دولت سر کار بود، صف‌های طویل مردم در افغانستان برای خالی‌کردن حساب‌هایشان به راه افتاده بود. به نوشته «گاردین»، به نقل از یک محقق از انستیتوی «مطالعات توسعه»، «افغانی (واحد پول افغانستان) با دلار حمایت می‌شد که به شکل کاملا فیزیکال و با هواپیما، گاهی به شکل هفتگی و منظم در کابل پیاده می‌شد. اگر طالبان از این تزریق پول برای پشتوانه افغانی بی‌بهره باشد، خطر سقوط ارزش پول تا حدی است که خرید نان نیز برای مردم عادی دشوار خواهد شد».

افغان‌هایی که پس‌اندازشان به پول محلی است، تلاش دارند آن را به دلار تبدیل کنند؛ اگر نتوانند دلار پیدا کنند به خرید روی می‌آورند و قیمت‌ها بسیار بالا خواهد رفت. در چنین شرایطی این پرسش که روابط اقتصادی افغانستان در آینده نزدیک با کشورهای دیگر ازجمله ایران به چه سمت خواهد رفت تا حد زیادی نامربوط به نظر می‌رسد؛ ساده‌ترین عملیات اقتصادی کشور مختل شده و ترتیب مناسبات سیاسی و اقتصادی طالبان هنوز بسیار مبهم است. پیچیدگی درونی نیروهای طالب که فراکسیون‌های مختلف آن هریک با یکی از کشورهای هم‌جوار یا غیرهم‌جوار روابط حسنه دارند، پیش‌بینی برآیند کار دولتی را که بناست سر کار بیاید، عملا غیرممکن کرده است و کارشناسان درباره آن با احتیاط فراوان سخن می‌گویند.

عمده پیشرفت اقتصادی کشور در دو دهه گذشته به واسطه کمک‌های خارجی بوده است. در گزارش مفصلی که «فایننشال‌تایمز» روز دوشنبه از وضعیت اقتصادی افغانستان منتشر کرد، از قول «گرث لدر»، اقتصاددان مؤسسه «کپیتال اکونومیکس» می‌خوانیم: «از آنجا که عمده پیشرفت اقتصادی کشور در ۲۰ سال گذشته بر پایه حمایت خارجی انجام گرفته است، با بازگشت افغانستان به وضعیت یک کشور منزوی احتمالا کار اقتصاد کشور تمام است و شاهد کاهش شدید تولید ناخالص ملی خواهیم بود و قطعا توسعه اجتماعی-اقتصادی دچار عقب‌گرد خواهد شد».

به نوشته «فایننشال‌تایمز» با اینکه آمار دو دهه اخیر حاکی از پیشرفت افغانستان در بسیاری از حوزه‌هاست، اما طالبان اقتصادی را تحویل گرفته است که به‌سختی بتوان شکننده‌تر از آن را در جهان سراغ گرفت. افغانستان در زمینه شاخص فساد «شفافیت بین‌الملل» در میان ۱۸۰ کشور جایگاه ۱۶۵ را کسب کرده است. اما اکنون حرف‌هایی درباره حضور احتمالا پرقدرت چین در افغانستان پس از خروج نیروهای غربی می‌گویند و از عواقب آن برای اقتصاد ایران که مناسبات اقتصادی خوبی با افغانستان دارد؛ البته در مقیاس کشوری با اقتصاد کوچک همچون افغانستان. مثلا می‌گویند چین جای این روابط را خواهد گرفت (جدول‌های ۱ و۲ روابط اقتصادی این کشور بر حسب صادرات و واردات را نشان می‌دهند که علاوه بر آنکه حکایت از کوچکی اقتصاد این کشور دارد، نقش کشورها را نیز در عرصه اقتصاد کابل به‌خوبی مشخص می‌کند).

بررسی دقیق این موضوع هنوز تکیه بسیاری بر فرضیات دارد و عدم قطعیت آن به‌شدت بالاست. بااین‌حال برخی فرضیات ازسوی مقام‌های ایرانی مطرح شده است. مثلا ابوالفضل ظهره‌وند، سفیر سابق ایران در افغانستان، در هنگامه درگیری‌ها به خبرگزاری‌ها گفته بود: «مسئله نیاز افغانستان به برق و گاز ایران یک مسئله پایدار است و باید به آن به‌عنوان یک موضوع بلندمدت نگاه کرد. هر نظام سیاسی و ساختاری که در این کشور حاکم باشد، نیازمند این دو مؤلفه است، اما در هر حال در کوتاه‌مدت روابط دو کشور دچار اختلال می‌شود». او همچنین پیش‌بینی کرده بود «تسلط طالبان بر کل افغانستان امری بعید است» که پیش‌بینی اشتباهی از کار درآمد.

چین و ایران؛ خوف و رجا

درباره فرض حضور چین و کم‌رنگ‌شدن نقش ایران و نیز استقبال چین از خروج آمریکا نیز شواهد تأییدکننده قطعی وجود ندارد. برای نمونه می‌شود از مطالب میزگردی که «شورای روابط خارجی اروپا» در این زمینه برگزار کرده است، استفاده کرد. «اندرو اسمال»، کارشناس سیاست‌گذاری، در این میزگرد درباره رویکرد چین به وقایع افغانستان می‌گوید: «... پکن قطعا دوست داشت که آمریکا از منطقه خارج شود، اما هنگامی که صلح برقرار باشد. چین اکنون از چند مسئله نگران است؛ ازجمله اینکه افغانستان تبدیل به بهشت گروه‌های شبه‌نظامی معارض پکن شود، همان‌طور که پیش از این و در زمان قبلی که طالبان قدرت را در دست داشت، شده بود. منافع اقتصادی و سیاسی چین در مقیاس وسیع منطقه‌ای از آن زمان بسیار گسترش یافته است و چین نگران تأثیرات حضور طالبان در کشورهای همسایه ازجمله پاکستان است». این کارشناس سیاست‌گذاری درباره منافع اقتصادی چین در افغانستان می‌گوید: «چین قطعا در منطقه منافع اساسی تجاری و اقتصادی دارد، اما در افغانستان این منافع در حداقل ممکن است. بزرگ‌ترین سرمایه‌گذاری‌های چین در منطقه یک معدن مس و پروژه انرژی آمودریاست که سال‌هاست اصلا متوقف شده است». اسمال، درباره مسئله جاده ابریشم جدید، معروف به «ابتکار کمربند و راه» و نقش افغانستان که برخی به آن اشاره کرده‌اند نیز می‌گوید: «گفت‌وگوهای زیادی درباره داخل‌کردن افغانستان در این پروژه مطرح انجام گرفته، ازجمله اتصال افغانستان به کریدور اقتصادی چین-پاکستان، اما چین معتقد است ثبات مقدم بر تعهدات جدی اقتصادی است. چین از احداث زیرساخت مرزی در کریدور واخان (اریکه‌ای در شرق افغانستان است که از شرق به چین، شمال به تاجیکستان و جنوب به پاکستان محدود می‌شود) علی‌غم درخواست‌های متعدد دولت افغانستان اجتناب کرده است. در حال حاضر چین بیشتر نگران حملاتی است که متوجه اتباع چینی مشغول در پاکستان است، نه ایجاد روابط اقتصادی بسیار پرخطر در کشوری با وضعیت افغانستان».

مطالبی که تأیید می‌کند هنوز برای پیش‌بینی استلزامات اقتصادی خروج آمریکا از افغانستان، برای کشورهایی نظیر ایران و چین، زمان مناسبی نیست. چین در دوره ثبات نسبی این کشور از حضور اقتصادی جدی در آن طفره رفته است بنابراین با اوضاع کنونی احتمال اینکه وارد گود شود، بسیار اندک خواهد بود.

در مطلب دیگری که «انستیتو خاورمیانه» درباره موضوع منتشر کرده است، می‌توان شاهدی بر صحت این ادعا یافت. در بخشی از مطلب این اندیشکده مشهور آمریکایی می‌خوانیم: «ایران، روسیه و چین درباره خروج آمریکا از افغانستان موضعی دوگانه دارند و تا روشن‌شدن کامل چگونگی تغییرات سپهر سیاسی افغانستان صبر خواهند کرد... که شامل این هم خواهد بود که ببینند تضمین‌های امنیتی چگونه است و از منابع اقتصادی افغانستان چه بهره‌ای می‌برند». این از برآورد اروپایی و آمریکایی.

احتیاط و خونسردی در اظهارنظر را که تا حدی خاص روحیه سفیدپوست چشم‌آبی است، همه ندارند؛ مثلا ایرانی‌ها. برای نمونه «سعید لیلاز» با اطمینان معتقد است: «در همین فضا (ناامنی مرز افغانستان با پاکستان و دیگر کشورها و حضورنداشتن در کمربند چین) بنیه صنعتی ایران به گونه‌ای است که نیاز افغانستان به ما گریزناپذیر است. به نظر می‌رسد افغانستان چاره‌ای جز این ندارد که ایران را شریک استراتژیک خود قرار دهد و برای ایران هم مسیری دیگر در ارتباط با افغانستان وجود ندارد».

اما پروژه چابهار؛ پروژه‌ای که بخشی از کریدور هفت‌هزارو ۲۰۰ کیلومتری شمال و جنوب، طرح بزرگ هند برای کاهش زمان تجارت با اروپا و ورود به بازار آسیای مرکزی است. پروژه‌ای شامل هزاران کیلومتر جاده که از بندر چابهار در جنوب آغاز می‌شود و پس از عبور از آذربایجان در شمال به سمت روسیه و سپس اروپا می‌رود. «ایرنا» روز سه‌شنبه نقل‌قولی از مقامات هندی آورد که ظاهرا بحث درباره این موضوع را خاتمه می‌دهد: «مقامات هندی اعلام کردند افغانستان تحت حاکمیت طالبان بخشی از گروه چهارجانبه هند، ایران و ازبکستان برای استفاده از بندر چابهار در جنوب شرق ایران نخواهد بود».

وضعیت افغانستان هنوز به‌شدت نامطمئن است. هرچند طالبان تضمین‌هایی برای رعایت و تضمین امنیت پروژه‌های اقتصادی داده است، اما همین طالبان تضمین‌های دیگری نیز داده بود که رعایت نکرد؛ مثل اینکه کسی را نکشد و کشت. گرچه این احتمال هست که برای طالبان ارزش جان با مال یکی نباشد؛ ازجمله تضمین‌های مالی که طالبان پیش از فتح کشور داد، موردی بود که به ظاهر بیشتر جنبه نمادین داشت تا هر چیز دیگر. در روز ششم ماه فوریه امسال، هجدهم بهمن ۱۳۹۹، با فرستادن نماینده‌ای به ترکمنستان، طالبان تضمین داد خط لوله گاز «تاپی» امنیت کامل خواهد داشت؛ خط لوله‌ای که آمریکا و به‌ویژه زلمای خلیل‌زاد در طراحی آن نقش عمده داشتند و حتی برخی منابع در گذشته از فساد مالی خلیل‌زاد در به‌کرسی‌نشاندن این پروژه سخن گفتند. به هر حال، این پروژه برای عقیم‌کردن طرح انتقال گاز ایران از طریق پاکستان به هند، همان خط لوله معروف «صلح» تعریف شد که مخفف نام چهار کشور درگیر در آن است؛ از ترکمنستان (منبع گاز) آغاز می‌شود و مسیری که از افغانستان تا پاکستان و هند (ایندیا) می‌رود و روی هم می‌شود «تاپی». این خط لوله به دلیل وضعیت ناامن افغانستان هیچ‌گاه به مرحله عملیات نرسید و هنوز هم از آن فاصله بسیاری دارد. اما حرکت طالبان که با پوشش خبری وسیع همراه بود، بیشتر حرکتی نمادین تفسیر شد که یعنی طالبان زبان پول را بلد است. حالا پول چه کسی؟ اصلا معلوم نیست.

بزرگ‌ترین مقاصد صادراتی افغانستان

هند ۴۱۰,۱۳۵
پاکستان ۲۹۸,۶۳۵
چین ۳۱,۰۰۱
ترکیه ۲۵,۱۵۲
امارات متحده عربی ۲۴,۹۴۴
جمهوی اسلامی ایران ۱۵,۰۵۳
عراق ۱۴,۵۰۰
آلمان ۱۱,۷۰۴

بزرگ‌ترین واردکنندگان به افغانستان

جمهوری اسلامی ایران ۱,۲۴۷,۱۶۷
چین ۱,۱۹۲,۴۲۶
پاکستان ۱,۱۰۲,۹۸۹
ایالات متحده ۷۸۳,۷۵۱
ترکمنستان ۶۹۰,۲۱۴
قزاقستان ۵۲۲,۲۳۶
هند ۴۵۳,۶۹۵
ازبکستان ۴۳۳,۳۵۲

***منبع: بانک جهانی/۱۰۰۰دلار**

بورس همچنان سبز می‌ماند؟

شرق: شاخص بورس ایران این روزها با سرعت زیادی بالا می‌رود و بار دیگر صفحه اصلی بازار سرمایه سبز شده است؛ این روند مثبت و جهت روبه‌بالای بورس درحالی است که همچنان شاخص فاصله فراوانی با دوران اوج خود دارد ولی در همین یک ماه گذشته بخشی از زیان‌های مردم جبران شده است اما تکلیف بازار سرمایه ایران در هفته آینده چه خواهد بود و آیا شاخص در مسیر نزدیک‌شدن به عدد دو میلیون است؟

پیش‌بینی کارشناسی از آینده بورس

بازار سرمایه در این‌روزها با چراغ سبز به راه خود ادامه می‌دهد؛ به‌طوری‌که شاخص کل بورس توانست از یک‌میلیون و ۵۴۰ هزار واحد نیز عبور کند. اتفاقی که یک تحلیلگر بازار سرمایه دلیل آن را انتظارات تورمی و افزایش قیمت دلار می‌داند و بر این باور است که احتمالا بازار سرمایه در شهریورماه کمی درجا بزند. روزبه شریعتی در تحلیل این وضعیت به ایسنا گفته که بازار سرمایه متأثر از چند اتفاق این شمایل را پیدا کرده است و دراین‌باره توضیح داد: نخست آنکه توافق برجام صورت نگرفت و زمان‌بر شد و به دست تیم دولت جدید افتاد. ذهنیت بازار سرمایه در بهار این‌طور بود که انتظارات تورمی به‌شدت کاهش پیدا کرده بود و نرخ دلار زیر ۲۰ هزار تومان دیده می‌شد. حتی دولتمردان دولت قبل دلار ۱۷ یا ۱۵ هزار تومانی را لحاظ می‌کردند. اما این نگاه تغییر کرد، زیرا توافقی صورت نگرفت و گزارش‌های پولی بانک مرکزی به‌شدت نشان از تورم و پول‌پاشی داشت و این باعث شد به افزایش قیمت ارز دامن زده شود. او با بیان اینکه قیمت ارز به‌عنوان مهم‌ترین متغیر تأثیرگذار روی ۷۰ درصد بازار سرمایه است، گفت: در تیرماه نگاه بازار سرمایه همراه تغییرات مذکور تغییر کرد و انتظارات تورمی باعث رشد قیمت‌های دلار و بازار سرمایه شد. چند سال قبل ابتدا قیمت دلار افزایش می‌یافت بعد روند بازار سرمایه صعودی می‌شد اما اکنون بازار سرمایه به هوشمندی و عقلانیتی رسیده است که گاهی زودتر از بازار حواله و دلار متوجه می‌شود شرایط اقتصاد کلان به کدام سمت می‌رود. طبعا بازاری که خود را با دلار ۲۰ هزار تومانی هماهنگ کرده بود، زمانی که دلار ۲۵ هزارتومانی را قیمت‌گذاری کند، ۲۵ درصد رشد می‌کند. این تحلیلگر بازار سرمایه با اشاره به اینکه شاخص کل بورس از یک‌میلیون و ۵۰۰ هزار واحد گذر کرده است، اظهار کرد: از اینجا به بعد باید احتمال زدوخورد عرضه و تقاضا زیاد است؛ یعنی اگر قرار باشد دلار در محدوده ۲۷ هزار تومان و دلار نیما در محدوده ۲۵ هزار تومان باقی بماند، انتظار نمی‌رود شاخص کل بورس به دومیلیون واحد برسد. احتمالا در شهریورماه کمی درجازدن را در بازار تجربه کنیم. البته باز هم بستگی به قیمت دلار دارد. او معتقد است، اگر قیمت دلار توسط دولت جدید کنترل شود و ارزپاشی صورت بگیرد، روی بازار سرمایه تأثیر مثبت نمی‌گذارد اما اگر قیمت بالا رود که بعید است، بازار با هیجان به راه خود ادامه می‌دهد اما به‌طورکلی انتظار می‌رود تعادل ایجاد شود.

صعود شارپی نداریم، حرکت شاخص خزنده است

نگاه کارشناسان درباره آینده بازار سرمایه ایران متفاوت است و در کنار نظر مثبت بعضی به آینده این بازار، کارشناسانی هم می‌گویند خبری از صعود سریع نیست. فردین آقابزرگی که با ایلنا سخن می‌گفت، درباره دلایل رشد شاخص و حرکت مثبت بازار سرمایه اظهار کرد: در ابتدا باید بابت عوامل مؤثر اقتصادی در رشد بازار سرمایه اظهار تأسف کرد؛ چراکه از مهم‌ترین عوامل اثرگذار انتظارات تورمی و رشد نرخ ارز در بازار است. او ادامه داد: انتظار تورمی یا افزایش سود عملیات شرکت‌ها که ناشی از افزایش قیمت‌هاست، به نوعی افزایش نرخ تورم را در سطح اقتصاد و جامعه نشان می‌دهد و از جمله عوامل اقتصادی مؤثر در وضعیت حال حاضر بازار سرمایه است و باعث شده وضع شرکت‌ها بهبود یابد و درنهایت نقدینگی بیشتری را عاید شرکت‌ها کرده است. این کارشناس بازار سرمایه با بیان اینکه تمامی متغیرهای اثرگذار درحال‌حاضر رشد شاخص را توجیه‌پذیر کرده است، گفت: این تعادل نسبی و جنبه مثبت بازار سرمایه، به حرکت نرخ ارز برمی‌گردد، در مقطعی وعده دلار ۲۰ هزار تومانی داده شد اما امروز که دلار به ۲۸ هزار تومان رسیده، شاخص هم حرکت روبه‌رشد داشته است. آقابزرگی با اشاره به سایر عوامل اثرگذار اظهار کرد: همچنین تعیین تکلیف دولت سیزدهم و مشخص‌شدن تیم اقتصادی دولت به‌ویژه صحبت‌های وزیر پیشنهادی امور اقتصادی و دارایی و موضع وی و برنامه‌هایش برای سامان‌دهی بازار سرمایه که مهم‌ترین آن موضوع تأمین مالی بخش غیردولتی بوده، بر رشد شاخص اثر گذاشت. او تأکید کرد: طبق برنامه‌ها و اهداف تعریف‌شده سازمان بورس یک نهاد استراتژیک در حوزه تأمین‌کننده منابع مالی دولت به‌منظور کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی محسوب می‌شود، ازاین‌رو برنامه‌های وزارت اقتصاد و وزیر آینده می‌تواند یکی از متغیرهای اثرگذار در بازار باشد. حتی انتخاب رئیس‌کل بانک مرکزی می‌تواند در بازار سرمایه و پیاده‌سازی برنامه و اهداف این سازمان اثر داشته باشد. این کارشناس بازار سرمایه با تأکید بر اینکه درنهایت عامل مهم و متغیر مؤثر در وضعیت حال حاضر بازار سرمایه کاهش سطح عمومی قیمت‌ها و شاخص در شش‌ماه گذشته بوده، ادامه داد: تعادل نسبی بین ارزش ذاتی و ارزش روز معاملاتی سهام اولین مؤلفه‌ای که می‌توانیم دراین‌باره از آن تعریف داشته باشیم. آقابزرگی افزود: تمام این موضوعات جذابیت بازار سرمایه را بالا برده و می‌تواند بازار اولیه را حرکت دهد؛ برخلاف سال ۹۹ که تمام تمرکز بر روی بازار ثانویه بود. او با اشاره به موضوع انتظارات تورمی در اقتصاد و فعالان اقتصادی اظهار کرد: با توجه به انتظارات تورمی که در فعالان اقتصادی و بازارها وجود دارد و همچنین به دلیل رکود سایر بازارهای موازی در شرایطی که روزانه دوهزارمیلیارد تومان نقدینگی منتشر می‌شود، به‌طور قطع بخشی از این نقدینگی متوجه بازار سرمایه خواهد شد. این کارشناس بازار سرمایه با اشاره به حرکت آرام و خزنده شاخص در سال جاری گفت: تجربه سال ۹۹ که تجربه بسیار تلخی برای برخی از سهام‌داران بوده، نشان می‌دهد نوسان شارپی و جهش قابل‌توجه برای شاخص در سال ۱۴۰۰ و حتی تا پایان سال مالی متصور نیست. آقابزرگی ادامه داد: به‌طور خوش‌بینانه مدیریت و بازارسازی و بازارگردانی تمام شرکت‌ها و نمادها یک حرکت خزنده و آهسته و پیوسته را نشان می‌دهد. به‌طوری‌که شاهد آن بودیم که تا پایان تیرماه بازدهی شاخص کل صفر درصد بود اما شرکت‌ها و صنایعی تا ۴۰ درصد هم بازدهی داشته‌اند. این کارشناس بازار سرمایه با اشاره به میزان بازدهی در سال جاری گفت: درحال‌حاضر میزان بازدهی شاخص به ۱۸ درصد رسیده است که ۱۵ درصد آن مربوط به مردادماه بوده؛ بنابراین درمجموع در بازار سرمایه در سال جاری ثبات و حرکت ملایم برقرار است.

خبر

توصیه‌های وزیر اسبق راه به رستم قاسمی

واردات هواپیما با دورزدن تحریم‌ها جگر می‌خواهد!

● **ایسنا:** وزیر پیشین راه در دولت‌های نهم و دهم پیشنهادهایی به وزیر پیشنهادی دولت سیزدهم ارائه داد که از آن جمله می‌توان به توسعه راه‌آهن، جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی و خرید هواپیماهای نو با برداشته‌شدن تحریم یا از طریق دورزدن آن اشاره کرد. حمید بهبهانی، وزیر پیشین راه و ترابری در دولت‌های نهم و دهم که البته جمعا حدود دو سال بیشتر نتوانست مسئولیت این وزارتخانه را برعهده بگیرد، دغدغه‌های مهم حوزه حمل‌ونقل را برشمرد و پیشنهادهایی را به وزیر آینده راه‌وشهرسازی در دولت سیزدهم برای حل این مسائل ارائه داد. وزیر پیشین راه و ترابری در دولت‌های نهم و دهم همچنین درباره اولویت‌های مهم این وزارتخانه در حوزه هوانوردی گفت: در شرایط کنونی، کشور به هواپیماهای خوب و نو نیاز دارد و بهترین کاری که وزیر آینده می‌تواند در این زمینه انجام دهد، این است که هواپیماهای مورد نیاز را بخرد و نوسازی ناوگان هوایی را در دستور کار قرار دهد. او ادامه داد: البته نوسازی ناوگان باری و مسافری مانند کامیون و اتوبوس‌های برون‌شهری هم باید در اولویت قرار گیرد؛ همچنین نظم‌بخشیدن به حوزه حمل‌ونقل و قیمت‌های افزایش‌یافته در این حوزه از دیگر کارهایی است که وزیر جدید راه‌وشهرسازی باید در دستور کار خود قرار دهد. بهبهانی در پاسخ به سؤالی درباره اینکه در شرایطی که تحریم‌ها اجازه نداد هواپیماهای جدید بیشتری در دولت گذشته وارد کشور شود، وزیر راه‌وشهرسازی آینده چگونه می‌تواند با وجود ادامه‌داشتن تحریم‌ها این کار را انجام دهد؟ گفت: برداشته‌شدن تحریم‌های ظالمانه یک اصل مهم است؛ اما اگر این اتفاق هم رخ نداد، راه‌هایی برای دورزدن تحریم‌ها وجود دارد و راه‌هایی هست که من در زمان وزارتم تا نیمه راه آن را رفتم؛ اما دیگر فرصت نداشتم. وزیر پیشین راه با اشاره به اینکه رستم قاسمی می‌تواند از دورزدن تحریم‌ها و راه‌های مختلف آن برای واردات هواپیماهای نو استفاده کند، گفت: این کار جگر می‌خواهد، جرئت می‌خواهد که در وزیر پیشنهادی وجود دارد و هم‌اکنون نوسازی ناوگان هوایی به ۲۰۰ فروند هواپیمای نو و باکیفیت نیاز دارد. البته هر کمکی در این زمینه لازم باشد، برای موفقیت او انجام می‌دهم. بهبهانی اعلام کرد: یکی‌دیگر از کارهایی که وزیر آینده راه‌وشهرسازی بهتر است انجام دهد، این است که سعی کند بودجه و اعتبارات هر بخش را در همان حوزه هزینه کند و شاهد نباشیم که بودجه حوزه حمل‌ونقل در بخش شهرسازی و معماری خرج شده یا برعکس.

قائم‌مقام وزیر صنعت، معدن و تجارت اعلام کرد

اجرای اصلاحات اقتصادی از طریق وزیر پیشنهادی اقتصاد سرعت می‌گیرد

● **ایرنا:** قائم‌مقام وزیر صنعت، معدن و تجارت گفت: تجربه علمی و عملی وزیر پیشنهادی اقتصادی و دارایی در حوزه اقتصادی می‌تواند سرعت اجرای اصلاحات اقتصادی را افزایش دهد. «محمدصادق مفتح» به وزیر پیشنهادی اقتصاد و توانایی‌های او در حوزه اقتصاد کشور اشاره کرد و افزود: خاندوزی فردی صاحب طرح، برنامه و تئوری در زمینه مسائل اقتصادی است که انتخاب این فرد به‌عنوان وزیر اقتصاد می‌تواند کشور را از چالش‌های ایجادشده در اقتصاد نجات دهد. او گفت: همچنین برنامه‌های مطرح‌شده ازسوی خاندوزی بیانگر آن است که برنامه و اقداماتی همسو با مشکلات کشور در نظر گرفته شده که این امر نشان از برنامه‌های دقیق او برای آینده اقتصاد کلان کشور دارد. دراین‌میان تجربه علمی و عملی وزیر پیشنهادی اقتصادی و دارایی در حوزه اقتصادی می‌تواند سرعت اجرای اصلاحات اقتصادی را افزایش دهد. مفتح درباره نقش وزیر آینده اقتصاد در توسعه بازار سرمایه نیز گفت: پایه صحبت‌های «سیداحسان خاندوزی» در زمینه بازار سرمایه و توسعه این بازار بود که امیدواریم وزیر پیشنهادی بتواند با توجه به برنامه‌هایی که ارائه داده است، زمینه ثبات‌بخشی در این بازار را فراهم کند، به طور حتم رشد بازار سرمایه در ایجاد تعادل در اقتصاد کشور و حمایت از تولید اثر ویژه‌ای خواهد داشت. قائم‌مقام وزیر صمت در پاسخ به این پرسش که توصیه شما به وزیر جدید اقتصاد درباره بازار سرمایه چیست؟ گفت: باید امکان ورود شرکت‌های بیشتری به بازار سرمایه فراهم شود که این اتفاق در حوزه عرضه سهام و کالای تولیدی شرکت‌ها می‌تواند رقم بخورد.

محسن رضایی به پاستور می‌رود

● **شرق:** سیدابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهور، با صدور حکمی محسن رضایی میرقائد را به سمت معاون اقتصادی رئیس‌جمهور، دبیر شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا و دبیر ستاد اقتصادی دولت منصوب کرد. رضایی میرقائد متولد سال ۱۳۳۳ مسجدسلیمان و دانش‌آموخته مقطع دکترای اقتصاد از دانشگاه تهران است که فرماندهی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به مدت ۱۶ سال (۱۳۶۰ تا ۱۳۷۶) و دبیری مجمع تشخیص مصلحت نظام از سال ۷۶ تاکنون را در سوابق اجرائی و مدیریتی خود دارد.